

## بررسی رابطه‌ی بومی‌گرایی در تأثیرات فرهنگی دانشگاه بر توسعه‌ی جزیره‌ی قشم عباس براهیمی قلعه‌قازی<sup>۱</sup>

استادیار جامعه‌شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۰

### چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه تأثیرات بومی‌گرایی در تأثیرات فرهنگی دانشگاه برای برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی در جزیره قشم انجام شده است. نظریه پارسنز در کنار تأکیدات جیکوبز و چپمن بر مدت اقامت در یک مکان که به تراکم هویت و سرمایه اجتماعی می‌انجامد، چارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌داد. از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد و نمونه‌گیری که بر اساس فرمول کوکران، ۳۴۸ نفر برآورد شده بود تا جایی پیش رفت که پاسخ‌های معتبر در محاسبه رابطه متغیرها، کمتر از این میزان نباشد تا اعتبار تحقیق تأمین گردد. نتایج نشان داد که میانگین تأثیرات فرهنگی دانشگاه در توسعه جزیره قشم در بازه‌ی ۴ تا ۱۶ برابر با ۹/۱۰ بود که در حد زیادی ارزیابی می‌شود. بین توسعه جزیره قشم و بومی یا غیربومی بودن در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری دیده شد، در حالی که رابطه مدت اقامت در قشم با متغیر وابسته که تأثیر ابعاد فرهنگی دانشگاه در توسعه جزیره قشم می‌باشد، رابطه معناداری نداشت. بنابراین بومی بودن نسبت به مدت اقامت می‌تواند یک ظرفیت بالقوه مثبت در توسعه و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای تلقی گردد. تحلیل عاملی، گویه‌های پرسشنامه را در چهار عامل سرمایه‌گذاری اقتصادی، نیروی انسانی، مدیریت نهادی و نظارت اجرایی در اثرگذاری در برنامه‌های توسعه‌ای شناسایی کرد.

**واژگان کلیدی:** بومی‌گرایی، توسعه، تأثیر فرهنگی، جزیره قشم

## مقدمه

توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، ضمن هماهنگی با وضعیت کلی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، تعریف سازمان جهانی یونسکو از توسعه فرهنگی است. فرایند ارتقاء فرهنگ، نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین، آداب و رسوم جامعه در راستای اهداف مطلوب که زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان‌هاست را می‌توان توسعه فرهنگی تعریف نمود. توسعه فرهنگی از یک‌سو زمینه‌ساز و علت توسعه ابعاد دیگر جامعه است و از سویی دیگر، معلول آن‌هاست؛ زیرا پیشرفت همه جانبه‌ی جامعه بر رشد و توسعه فرهنگ مؤثر است. نکته‌ای که در بحث از فضای مفهومی توسعه فرهنگی حائز اهمیت است، تفکری می‌باشد که توسعه فرهنگی را با فراموش کردن، بریدن و گسستن از سنت‌های گذشته یکسان می‌انگارد. در حالی که سنت‌ها، انباشت و ذخیره‌ی تجارب گذشته‌ی یک جامعه هستند و توسعه بر مبنای نفی گذشته امکان‌پذیر نیست. توسعه، فراگردی است که در آن سنت‌ها و تجارب گذشته از نو و بر اساس نیازها و شرایط تازه، بازاندیشی و بازسازی می‌شوند و از این طریق، جامعه‌ی خود را بارور می‌کنند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۹-۴۸).

برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای روی طیفی قرار می‌گیرند که از برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت قرار می‌گیرند که هدف هر یک از این برنامه‌ها از یکدیگر متفاوت است. برنامه‌های کوتاه‌مدت با اهداف تغییرات کمی تنظیم می‌شوند که بیشتر در حوزه‌ی اقتصادی دیده می‌شود؛ مانند تغییراتی در تولید خالص ملی و تولید ناخالص ملی که در حوزه‌ی توسعه‌ی اقتصادی بسیار مهم هستند. برنامه‌های میان‌مدت که از برنامه‌های ۴-۳ ساله تا برنامه‌های ۲۰-۱۰ ساله را شامل می‌شوند، برنامه‌هایی هستند که اهداف کیفی را دنبال می‌کنند و بسیاری از این اهداف را می‌توان در حوزه‌ی فرهنگی ریشه‌یابی کرد. برنامه‌های بلندمدت نیز با اهدافی استراتژیک تدوین می‌شوند که هم اهداف برنامه‌های کوتاه‌مدت و هم اهداف برنامه‌های بلندمدت را در خود دارند. برنامه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای هر چه کوتاه‌مدت‌تر باشند، عملکردی‌تر به شمار می‌روند و هر چه بلندمدت‌تر شوند، هنجاری‌تر خواهند بود. به عبارت بهتر، به دنبال تاثیرگذاری روی ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری‌ای هستند که بتواند منش ملی افراد را در راستای توسعه‌ی همه‌جانبه تقویت کند. بدین ترتیب، برنامه‌های بلندمدت، هنجاری و استراتژیک معمولاً در حوزه‌ی آموزش و پرورش و آموزش عالی حضور پررنگی دارد. بنابراین می‌توان توسعه‌ی فرهنگی را با برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای توسعه‌محور که برنامه‌هایی میان‌مدت و بلندمدت هستند، همسو دانست و اهداف کیفی بخصوص در حوزه‌ی آموزش و تحولات نهادهای آموزشی را امری اجتناب‌ناپذیر در راستای برآورده شدن اهداف هنجاری و فرهنگی به شمار آورد.

## بیان مسئله

توسعه‌ی فرهنگی با تاکید بر هویت فرهنگی، بهینه‌سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسائل مربوط به خود را نوید می‌دهد، موجب بهبودی اخلاق و آداب و سنن جامعه می‌گردد و بر رونق بازار فنون و تکنیک می‌افزاید. توسعه‌ی فرهنگی زمانی خلاق و بارور می‌شود که هویت و سیمای یگانه و حیاتی خود و نقاط مثبت سنت‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه را حفظ کند و در عین حال به پالایش عناصر نامطلوب بپردازد، تا بتواند نقش خلاق و

سازنده‌ی خویش را در عرصه‌ی اجتماع حفظ نماید. از این رو، توسعه‌ی فرهنگی بر پایه‌ی خودباختگی و پشت کردن به باورهای فردی نیست، بلکه مبتنی بر پویایی آگاهانه و خردمندانه است که در جهت حفظ هویت ملی و فرهنگی و استفاده از تمام نیروهای موجود جامعه، گام بر می‌دارد. برای آن که انسان‌ها بتوانند دنیای جدید را درک کنند و به آن شکل دهند، قدرت بیان احساس‌های خود را داشته باشند و با استفاده از زبان روز با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، به آموزش مستمر که شرط اصلی توسعه‌ی فرهنگی است، نیازمندند. افراد، قبل از این که بتوانند خود را با تغییرات ضروری در شغلشان وفق دهند، باید بتوانند خود را با تغییر، هماهنگ سازند و این توانایی به دست نخواهد آمد، مگر از طریق مجموعه‌ای فرایندها، از رهگذر اطلاعات، قبول مسئولیت آموزش شغلی، فراگرفتن شیوه بیان خود، که در ترکیب با یکدیگر، توسعه فرهنگی را می‌سازند (آگوستین، ۱۳۷۲: ۲۲۶). توسعه‌ی فرهنگی، نوعی دگرگونی که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی است که در جامعه‌ای معین صورت می‌گیرد و جامعه بر اثر آن به طور موثرتری از محیط طبیعی و اجتماعی مراقبت می‌کند. در این تراکم برگشت‌ناپذیر، معارف، فنون و دانش به عناصری که از پیش وجود داشته و از آن مشتق شده‌اند، افزوده می‌شود (توسلی، ۱۳۷۳: ۳۲). نظام آموزشی و خصوصاً آموزش عالی از مهم‌ترین بسترهای ایجاد تغییرات فرهنگی است. وجود مؤسسات آموزش عالی متعدد در قشم همچون دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، موسسه آموزش عالی قشم، شعبه بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، شعبه بین‌الملل دانشگاه پزشکی هرمزگان و مرکز آموزش‌های بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بین‌الملل پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی زمینه‌های مناسبی را برای تحولات فرهنگی و نقش مؤثر این مراکز آموزش عالی در برنامه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای فراهم آورده است. در این پژوهش با توجه به وجود چنین بستری، توسعه‌ی فرهنگی بر اساس ویژگی‌های منطقه‌ی قشم مورد نظر بوده است و تأثیر دانشگاه در این فرایند مورد بررسی قرار گرفته است.

#### اهمیت و ضرورت تحقیق

غلبه‌ی تفکر مهندسی اجتماعی در سازمان مدیریتی کشورهای در حال توسعه (خصوصاً کشور ایران) در ادبیات توسعه، شاخص‌های کمی را مورد توجه قرار داده است و شاخص‌های کیفی اغلب مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. این امر منجر به این مسئله شده است که دولت‌مردان افزایش شاخص‌های رشد اقتصادی همچون تولید ناخالص ملی، میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و... را مترادف با توسعه قلمداد نمایند. به همین دلیل در سال‌های اخیر برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی و عمرانی از این جهت که در نیل به اهداف توسعه‌ای موفق نشده‌اند و عمده‌ی تأکید آن‌ها بر شاخص‌های کمی بوده مورد نقد و موشکافی قرار گرفته‌اند. اما تأثیرگذاری برنامه‌های اجتماعی که بر اساس سیاست‌گذاری سازمان‌های مختلف مدیریتی به وجود آمده است، کمتر در راستای نقد و بررسی اهداف توسعه‌ای در بخش فرهنگی بوده است. در این پژوهش، تأکید بر بخش فرهنگی توسعه از این روست که خلالهای ناشی از بی‌توجهی مورد بازبینی قرار گیرد.

#### چارچوب نظری

پارسنز در تحلیل کنش اجتماعی متأثر از ویلفرد وپاره‌تو بوده و بر این اساس معتقد است که کنش انسانی قابلیت

تحلیل سیستمی را دارد. پس هر کنش در مجموعه‌هایی از واحدهای کنش یک یا چند کنشگر ظاهر می‌شود، یعنی می‌توان آن را به واحدهای ژست‌ها، گفتار، میمیک تجزیه کرد که مجموع بازسازی شده‌اش یک نقش اجتماعی را می‌سازد، یا برهه‌ای کم و بیش طولانی از کنش متقابل میان دو یا چند کنشگر را. در تعریف پارسنز این نظام دارای سه شرط است. شرط اول ساخت است. یعنی اجزاء یک نظام و خود نظام باید آرایش سازمانی داشته باشد، بدین ترتیب که از اجزا یا از مولفه‌های نسبتاً پایدار تشکیل شده باشد تا بتوان از آن‌ها به عنوان نشانه‌های عطف در تحلیل سیستمی استفاده کرد. در نظام کنش، به نظر پارسنز الگوهای هنجاری و در سطحی انتزاعی‌تر، متغیرهای الگویی<sup>۱</sup> این نقش را ایفا می‌کند. دومین شرط نظام مفهوم کارکرد<sup>۲</sup> است. برای آنکه یک نظام کنش وجود داشته و دوام بیاورد، برخی از نیازهای اولیه نظام، به عنوان نظام باید برآورده شود. این ابعاد کارکردی نظام کنش است. و در نهایت سومین شرط نظام کنش فرآیند<sup>۳</sup> خود سیستم و درون سیستم است. بنا به طبیعت خود یک نظام کنش متضمن فعالیت‌ها، تغییرات و تطور است که نمی‌تواند تصادفی باشد، بلکه باید طبق قواعدی صورت گیرد (روشه، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۲). پارسنز متغیرهای الگویی را برای تحلیل کنش در ۵ جفت بیان می‌کند که عبارتند از:

۱- عاطفی در مقابل بی‌تفاوتی عاطفی<sup>۴</sup>: این مفهوم احساس یا فقدان آن را که مناسب وضعیت مفروضی است در بردارد. آیا در یک وضعیت کنشی احساسات و عواطفی مانند علائق و دوست داشتن دخیل هستند یا خیر؟ برای مثال همواره در کنش متقابل پدر و مادر با فرزندشان احساسات و عواطف وجود دارد. در حالی که کنش‌های متقابل یک تاجر بیشتر به تبع کارایی یا نتیجه‌ی نهایی شیء جهت پیدا می‌کند. زیرا روابط در دنیای کسب‌وکار بیشتر بر مدار بی‌طرفی عاطفی می‌چرخد، اما در محافل خانوادگی و دوستانه کم و بیش رنگ و بوی عاطفی دارد. بنابراین با توجه به نوع انگیزه و سوگیری کنشی، عمل انسان گاهی بر دل بستگی و علاقه مبتنی است و گاه بر بی‌تفاوتی و علاقه.

۲- پراکندگی در مقابل اختصاص<sup>۵</sup>: این دوتایی به دامنه ارتباطات بین کنش‌گران مربوط می‌شود. آیا دامنه‌ی ارتباطات و کنش، پراکنده و همه‌جانبه است یا تنها در یک بعد خاصی متمرکز شده است. کنش بین دندانپزشک و بیمار در دندان بیمار و رابطه بین استاد و دانشجو پیرامون درس و تحقیق علمی متمرکز شده است. در صورتی که رابطه زن و شوهر با یکدیگر و یا با فرزندانشان به مسئله‌ی خاصی محدود نمی‌شود. این پراکندگی و تمرکز صرفاً در ابعاد برقراری ارتباط محدود نیست، بلکه این مسئله نیز خود به ایفای نقش وابسته است. یعنی افرادی هستند که تمام تلاش خود برای انجام وظیفه و کارکردشان معطوف و متمرکز می‌سازند و در برابر این دسته، هستند کسانی که بدون جهت به هرکاری که پیش آید رو می‌کنند و از کار و وظیفه قبلی به راحتی منصرف می‌شوند، تمرکز در ایفای نقش‌های خاص باعث کسب مهارت و تخصص می‌شود و پراکندگی نقش‌ها، مانع از تخصص‌گرایی است.

<sup>1</sup> pattern variables

<sup>2</sup> Function

<sup>3</sup> Process

<sup>4</sup> Affectivity / Affectivities Neutrality

<sup>5</sup> Diffuseness/specificity

۳- عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی<sup>۱</sup>: این دو راهی حاصل تعامل‌هایی است که در آن‌ها نوع ملاک‌های سنجشی که باید بکار روند یا عام و مبتنی بر اجماع و یا کلاً منحصر به مواردی خاص است. گاهی مردم را بر اساس ملاک‌های فردی و ذهنی (خاص‌گرایی) مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهیم و گاهی ملاک ارزشیابی را بر اساس نگرش عینی و اجتماعی پایه‌ریزی می‌کنیم؛ مثلاً اگر کاندیدای انتخابات مجلس شورای اسلامی به دلیل نسبت خانوادگی مورد تأیید ما باشد، ملاک ارزیابی ما خاص بوده و اگر به دلیل ویژگی‌های عمومی یک نماینده مجلس مانند تخصص و تجربه مورد ارزیابی واقع شود عام‌گرایی می‌باشد.

۴- اکتسابی در مقابل انتسابی: در این متغیر این دوراهی مطرح است که آیا دیگری را بر اساس معیارهای عام عملکرد (صلاحیت‌های تحصیلی، موفقیت در کسب و کار و ...) ارزیابی می‌کنیم یا بر پایه‌ی صفاتی که بر مبنای وراثت یا سایر اشکال موهبت‌های اعطا شده (سن، جنس، نژاد، کاست، ...) به فرد منتسب می‌شوند و دارای معیار عملکردی نیستند. در واقع این مورد به مبنای کنش بین کنشگران مربوط می‌شود. آیا کنشگران بر مبنای آن چه که هستند با دیگران به کنش می‌پردازند؟ ملاک ارزیابی طرف مقابل مجموعه نقش‌ها و عملکردی است که او در روابط متقابل روزانه‌اش انجام می‌دهد. پارسنز این‌گونه ارزش‌سنجی‌ها که بر اساس خدماتی است که افراد انجام می‌دهند، را ارزشیابی غیرذاتی یا دستاورد<sup>۲</sup> می‌نامند. نوع دیگر ارزشیابی‌ها بر اساس موجودیت ارثی و ذاتی افراد و بدون توجه به توانایی‌های فردی آنان صورت می‌گیرد. در این نوع ارزش‌یابی مبنای کنش ویژگی‌های ذاتی افراد یا به گفته تیم دیلینی خصوصیات مادرزادی است، و به ویژگی‌های محقق و اکتسابی افراد توجه نمی‌شود.

۵- فردی در مقابل جمعی<sup>۳</sup>: این مفهوم آن جهت‌گیری کنشی را در بر می‌گیرد که یا در سمت سوی منافع فردی یا منافع و اهداف گروهی است (تنهایی، ۱۳۸۹: ۱۸۴ و دیلینی، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

این الگوهای کنش در خرده‌سیستمی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که وظیفه و کارکرد آن، انسجام‌بخشی است و آن، خرده‌سیستم فرهنگی است. بنابراین هر یک از این الگوها به عنوان الگوی غالب رفتاری در جامعه پذیرفته می‌شوند که سنخ‌های جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه یا سنتی و مدرن را می‌توانند از یکدیگر مجزا سازند. از آن‌جا که هر نظامی نیازمند برقراری روابط با محیط بیرونی‌اش است، یکی از نیازهای اساسی نظام کنش‌سازگاری یا تطبیق است. سازگاری مجموعه‌ی اجزای کنشی که روابط میان نظام کنش و محیط بیرونی‌اش را تأمین می‌کنند. محیط بیرونی یک نظام کنش عموماً یک یا چند نظام دیگر است، که ممکن است نظام‌های کنشی یا غیرکنشی باشد. سازگاری، کارش این است که از این نظام‌های بیرونی منابع گوناگونی را که نظام نیاز دارد، بگیرد و در عوض، فرآورده‌های تولید نظام را عرضه کند و با فرآوری و تبدیل این منابع، آن‌ها را برای نیازهای این نظام به کار ببرد. این کارکرد شامل کارکردهایی است که نظام را با محیطش، مقتضیاتش، تنگناهایش و با محدودیت‌هایش سازگار می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ۷۵). بر همین اساس در این پژوهش به تأثیر دانشگاه در دستیابی به کارکرد انسجام با توجه به ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای در قشم پرداخته شده است. اگر مردم محل، ارتباط مشابهی را مدنظر داشته باشند ناچار به گسترش زندگی خویش‌اند. آن‌ها ناچار به گسترش نوعی هم‌بودگی می‌شوند که در مقایسه با پیاده‌راه‌ها

<sup>۱</sup> universalism particularism

<sup>۲</sup> achived

<sup>۳</sup>self/collectivity

ناچاراً چیزهای بیشتری را با یکدیگر شریک خواهند شد. در غیراین صورت عدم ارتباط گریزناپذیر خواهد بود. ایده باهم‌بودگی چنین است که اگر مردم در چیزی سهیم شوند، در چیزهای بیشتری نیز می‌توانند سهیم شوند (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۶۶). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های منطقه‌ای در قشم به دلیل مهاجرت‌های کاری، تجاری و تحصیلی، ادغام خرده‌فرهنگ‌های متفاوت در این جزیره برای مدت کوتاه یا گاهی هم به صورت طولانی مدت است. «طبقه اجتماعی ساکنان و خصوصیات شیوه زندگی آن‌ها می‌تواند در با هم بودن آن‌ها تأثیر داشته باشد. ایده واحد همسایگی خیلی در برنامه‌ریزی تأثیرگذار بوده است و به کیفیات زندگی و محیط زیست که در واژه همسایگی دیده می‌شود، مربوط است» (چپ‌من، ۱۳۹۴: ۲۶۱). ایده‌ی همسایگی از هم‌بودی و کنار هم زندگی کردن منبث می‌شود که در مناطقی مانند جزیره‌ی قشم، ارتباط تنگاتنگی با بومی‌گرایی دارد. از این رو به بومی‌گرایی و تأثیر آن در تأثیرات فرهنگی‌ای که دانشگاه به عنوان یک سازمان فرهنگی می‌توانست در جزیره قشم داشته باشد، پرداخته شده است.

در این پژوهش که به روش پیمایشی انجام شده است، داده‌های تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه از میان ساکنین منطقه گردآوری شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss تحلیل شده است. بر اساس نمونه‌گیری انجام شده، تعداد کل افراد از جامعه‌ی نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۴۸ نفر شد. اما از آنجا که در مورد برخی از سؤالات پرسشنامه، پاسخ‌هایی درستی دریافت نمی‌شد، نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که تعداد پاسخ‌های معتبر در پیدا کردن همبستگی متغیرهای پژوهش کمتر از ۳۴۸ نباشد. به همین دلیل ۵۳۸ پرسشنامه توسط پاسخگویان تکمیل شد تا اعتبار نتایج تحلیل حاصل گردد.

#### یافته‌های تحقیق

در نخستین گام از پژوهش، وضعیت میزان تأثیرگذاری ابعاد فرهنگی دانشگاه در توسعه‌ی منطقه‌ای قشم از نظر پاسخگویان مورد مطالعه قرار گرفته است تا بتوان بر اساس این وضعیت به متغیرهای دیگری که در توسعه‌ی جزیره‌ی قشم تأثیرگذار بوده‌اند، پرداخت. چنانچه از جدول زیر بر می‌آید، تأثیرگذاری ابعاد فرهنگی دانشگاه از نظر بیشتر پاسخگویان به میزان زیادی در توسعه‌ی جزیره‌ی قشم تأثیر داشته است و این امر بیانگر این نکته است تمرکز بر ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای می‌تواند یکی از نقاط مثبت در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای قلمداد شود.

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تأثیرگذاری ابعاد فرهنگی دانشگاه

تعداد پاسخ‌های معتبر	
زیاد	۵۳۸
میان	۲
نما	۲
میانگین (در بازه‌ی ۴ تا ۱۶)	۹/۱۰

ارزش	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۴-۷	۱۵۶	۲۷/۳	۲۹	۲۹
۸-۱۰	۲۲۸	۳۹/۹	۴۲/۴	۷۱/۴
۱۱-۱۳	۱۱۱	۱۹/۴	۲۰/۶	۹۲
۱۴-۱۶	۴۳	۷/۵	۸	۱۰۰
کل پاسخ‌ها	۵۳۸	۹۴/۲	۱۰۰	
پاسخ‌های غیرمعتبر	۳۳	۵/۸		
کل پاسخگویان	۵۷۱	۱۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

بیش از ۷۰ درصد از پاسخگویان جامعه مورد مطالعه میزان تاثیرگذاری ابعاد فرهنگی دانشگاه در توسعه‌ی قشم را در طیف زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و این در حالی است که تعداد افرادی که با این شیوه مخالف هستند را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. چون این جمعیت نمونه از ساکنین جزیره‌ی قشم انتخاب شده است و موافق نبودن آن‌ها با تاثیرگذاری ابعاد فرهنگی دانشگاه نشان‌دهنده کمبود رابطه بین ابعاد فرهنگی دانشگاه و توسعه‌ی جزیره قشم در میان برخی از اقشار اجتماعی این منطقه است. تجربه نشان داده است که شیوه اجباری و همچنین در مقابل، شیوه رها کردن افراد در انبوهی از فرهنگ‌های متفاوت، هر دو دارای خطاهای فراوانی هستند و ابعاد فرهنگی دانشگاه یا هدایت غیرمستقیم آنان شاید بتواند در تاثیرگذاری دانشگاه مهم تلقی شود.

دومین متغیر برای دست‌یابی به توسعه‌ی منطقه‌ای استفاده از ظرفیت‌های بومی است که بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد و ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در میان ساکنان بومی و محلی وجود دارد بر اساس الگوهای فرهنگی جامعه افزایش می‌یابد. به همین دلیل، ابتدا وضعیت پاسخگویان از نظر نسبت بومیان به غیربومی‌ها در جزیره‌ی قشم در کنار تعداد سال‌های اقامت آنان در این جزیره مورد مطالعه قرار گرفته تا بتوان در گام بعدی به تحلیل تأثیر ابعاد فرهنگی دانشگاه در ارتباط با متغیر ویژگی‌های بومی و محلی پرداخت.

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب بومی بودن یا نبودن

کل پاسخ‌های معتبر		۵۶۰	
فراوانی	درصد	درصد معتبر	
۴۶۵	۸۱/۴	۸۳	بومی
۹۵	۱۶/۶	۱۷	غیر بومی
۵۶۰	۹۸/۱	۱۰۰	کل پاسخ‌ها
۱۱	۱/۹		پاسخ‌های غیرمعتبر
۵۷۱	۱۰۰		کل پاسخگویان
نما	۱		بومی

منبع: یافته‌های پژوهش

۸۳ درصد از پاسخگویان بومی جزیره و بقیه غیربومی بودند که این آمار می‌تواند با بسیاری مسائل دیگر رابطه داشته باشد. مثلاً ظرفیت‌های موجود در جزیره قشم برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی از جمله دلایل موجود برای ساکن شدن افراد غیربومی در این جزیره است. همچنین رفت و آمد کشتی‌ها به ورود افراد غیربومی به این جزیره کمک شایانی کرده است. در ضمن وجود مراکز آموزش عالی نیز در راستای مهاجرت موقت و ورود عناصر فرهنگی از سایر اقوام به این جزیره نقش مهمی ایفا کرده است. مدت اقامت در جزیره قشم می‌تواند با بومی بودن یا نبودن افراد در ارتباط باشد، اما گاهی ممکن است افرادی به این جزیره مهاجرت کرده و سال‌های طولانی را

در این جزیره زندگی کرده باشند و بومی جزیره نیز به شمار نیایند. در جدول بعدی، توزیع پاسخگویان را بر اساس تعداد سال‌های سکونت در جزیره را نشان می‌دهد.

حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان بین ۱۱ تا ۳۰ سال سابقه اقامت در قشم را دارند که این دو گروه (گروه دوم و سوم) در میان جامعه نمونه از بیشترین فراوانی برخوردار بودند. میانگین اقامت جامعه‌ی نمونه در قشم نزدیک به ۲۸ سال است و بیشتر افراد جامعه نمونه دارای ۲۲ سال اقامت در این جزیره بودند که با طبقه بندی پاسخ‌ها در گروه‌های مورد مشاهده که هر گروه ده سال اقامت را در خود جای داده بود، نما در گروه دوم قرار گرفت.

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب مدت اقامت خانواده در قشم

تعداد پاسخ‌های معتبر		۳۷۱	
میان	۳	۲۱ تا ۳۰ سال	۳۷۱
نما	۲	۱۱ تا ۲۰ سال	۳۷۱
میانگین	۲۷/۸۸	قریب به ۲۸ سال	۳۷۱

  

فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۰ سال و کمتر	۳۱	۸/۴	۸/۴
۱۱ تا ۲۰ سال	۱۴۶	۳۹/۴	۴۷/۷
۲۱ تا ۳۰ سال	۷۵	۲۰/۲	۶۷/۹
۳۱ تا ۴۰ سال	۴۴	۱۱/۹	۷۹/۸
۴۱ تا ۵۰ سال	۵۲	۹/۱	۹۳/۸
۵۱ سال و بیشتر	۲۳	۶/۲	۱۰۰
کل پاسخ‌ها	۳۷۱	۱۰۰	
پاسخ‌های غیرمعتبر	۲۰۰	۳۵	
کل پاسخگویان	۵۷۱	۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

تعداد زیاد پاسخ‌های غیرمعتبر نیز به دلیل این است که بسیاری از پاسخگویان پاسخ روشنی به این سؤال نداده بودند و با کلماتی مانند از بدو تولد، همیشه، خیلی زیاد و غیره از پاسخگویی به این سؤال سر باز زده بودند. بر اساس نتایجی که از توصیف وضعیت پاسخگویان بر اساس بومی بودن و همچنین تعداد سال‌های اقامت در جزیره قشم به دست آمد، مقایسه‌ای میان گروه بومی ساکن در جزیره قشم با افراد غیربومی این جزیره از نظر میزان تاثیرات ابعاد فرهنگی دانشگاه انجام شده است.

جدول ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تاثیرگذاری ابعاد فرهنگی دانشگاه و بومی یا غیربومی بودن

بومی	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	کل
بومی	۲۸۳	۴۲/۷	۲۱/۲	۷/۸	۱۰۰
غیربومی	۳۱/۹	۴۰/۷	۱۷/۶	۹/۹	۱۰۰
کل	۲۸/۹	۴۲/۳	۲۰/۶	۸/۱	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

تأثیر ابعاد فرهنگی دانشگاه در میان بومیان جزیره قشم در طیف زیاد و خیلی زیاد برابر با ۷۱ درصد از کل پاسخ‌های افراد بومی پاسخگو بود. این تأثیر در میان افراد غیربومی برابر با ۷۲/۶ درصد بود. بدین ترتیب، تأثیر ابعاد فرهنگی دانشگاه با تفاوت خیلی کمی در میان غیربومیان تأثیر بیشتری داشته است. این امر می‌تواند ناشی از ظرفیت‌های موجود در جزیره قشم باشد که برای ساکنین این جزیره به دلیل سکونت دائمی امری طبیعی تلقی شده است و برای مهاجران یا افرادی که به صورت موقت به آنجا سفر کرده‌اند، قابلیت بهره‌وری داشته و جلب توجه کرده است. نتایج آزمون رابطه‌ی بومی بودن پاسخگویان و تأثیر آن در توسعه‌ی جزیره قشم حاکی از آن



است که پاسخگویان بر این باورند که افرادی که بومی هستند می‌توانند با آشنایی خود به ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای در قشم، تاثیرگذاری بیشتری در فرایند توسعه‌ی این جزیره داشته باشند.

جدول ۵: آزمون رابطه‌ی متغیر وابسته و بومی یا غیربومی بودن

توسعه جزیره قشم و بومی یا غیربومی بودن	تعداد پاسخ‌ها	کای اسکوار	ضریب کرامر	سطح معناداری
	۵۴۵	۱۱/۵۸۴	۰/۱۴۶	۰/۰۰۹

ضریب کای اسکوار بین توسعه جزیره قشم و بومی یا غیربومی بودن در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری را نشان داد که شدت این رابطه از طریق ضریب کرامر محاسبه شده است. رابطه‌ی میان بومی یا غیربومی بودن و متغیر وابسته که توسعه‌ی جزیره قشم بود، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معنادار، اما ضعیف را نشان داد. تفاوت میان پاسخگویان بومی و غیربومی بر اساس متغیر وابسته از طریق آزمون من‌ویتنی محاسبه شده و در جدول بعدی آورده شده است.

جدول ۶: متغیر وابسته بر حسب بومی یا غیربومی بودن

توسعه جزیره قشم و بومی یا غیربومی بودن	تعداد پاسخ‌ها	من ویتنی	سطح معناداری
	۵۴۵	۱۹۰۴۰/۰۰	۰/۰۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

از آنجا که پاسخگویان از میان ساکنین بومی و غیربومی جزیره انتخاب شده بودند، به همین دلیل از طریق آزمون من‌ویتنی تفاوت میان توسعه جزیره قشم در این دو گروه مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد در دو گروه مورد مطالعه از نظر توسعه جزیره قشم وجود داشت و فرض پژوهش مبنی بر اینکه تأثیر ابعاد فرهنگی دانشگاه در توسعه‌ی جزیره قشم در میان بومیان جزیره با تأثیر ابعاد فرهنگی دانشگاه در میان افراد غیربومی تفاوت معناداری دارد، پذیرفته شد.

جدول ۷: آزمون متغیر وابسته و مدت اقامت در قشم

توسعه جزیره قشم و مدت اقامت	تعداد پاسخ‌ها	کندال	سطح معناداری
	۳۶۱	۰/۰۴۳	۰/۳۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

مدت اقامت در قشم با متغیر وابسته که تأثیر ابعاد فرهنگی دانشگاه در توسعه‌ی جزیره قشم می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ی معناداری را نشان نداد. این رابطه که برخلاف بومی بودن و نبودن افراد، رابطه‌ی معناداری نشان نداد نشان‌دهنده‌ی این نکته است که ممکن است بسیاری از افرادی که مهاجر به این جزیره هستند خود را بومی جزیره ندانند و در ضمن، تعداد پاسخ‌های غیرمعتبر نیز تأثیر بسیار زیادی در نتایج به دست آمده از این رابطه داشته است. در پایان نیز برای نتیجه‌گیری، ابعاد فرهنگی دانشگاه که در توسعه‌ی جزیره قشم می‌توانستند تاثیرگذار باشند و بر اساس نظریه‌ی پارسنز شاخص‌سازی شده بودند، با استفاده از تحلیل عاملی در ۴ عامل و عنصر اصلی دسته‌بندی شدند که این عوامل بر اساس نظر پاسخگویان به دست آمده است. برای آزمون متناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی باید با استفاده از ضرایب کیسرمایر و بارتلت آن‌ها را سنجش کرد که این آمار در جدول زیر آورده شده‌اند.

جدول ۸: آزمون متغیرهای تحقیق برای تحلیل عاملی

ضریب کیسرمایر	۰/۹۳۹
ضریب بارتلت	۹۴۱۰/۳۸۹
درجه‌ی آزادی	۱۰۸۱

سطح معناداری ۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

ضریب کیسرمایر (KMO) در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است و برابر با ۰/۹۳۹ می‌باشد که از میزان معیار که ۰/۷ تعیین شده، بالاتر است و داده‌های این تحقیق برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند. محقق گویه‌های موجود در پرسشنامه را از طریق تحلیل عاملی در چهار عامل دسته بندی کرد. پس از انجام تحلیل عاملی گویه‌ها برخی از آن‌ها به دلیل عدم همبستگی حذف شدند و گویه‌های باقیمانده با مفهوم‌سازی پژوهشگر در جدول زیر آورده شده‌اند:

جدول ۹: عوامل استخراج شده از گویه‌ها

عامل اول	سرمایه‌گذاری اقتصادی
عامل دوم	نیروی انسانی
عامل سوم	مدیریت نهادی
عامل چهارم	نظارت اجرایی

منبع: یافته‌های پژوهش

گویه‌های پرسشنامه، تاثیرگذاری ابعاد فرهنگی دانشگاه را از طریق چهار مسیر که عبارتند از سرمایه‌گذاری اقتصادی که به واسطه‌ی ارتباط دانشگاه و بازار کار به وجود می‌آید، نیروی انسانی که از طریق آموزش نیروهای متخصص در دانشگاه فراهم می‌گردد، مدیریت نهادی که مستلزم همکاری دانشگاه و سازمان‌های مدیریتی در جزیره‌ی قشم می‌باشد و در نهایت، نظارت اجرایی که توسط نیروهای متخصص دانشگاه و همکاری سازمان‌های نظارتی امکان‌پذیر خواهد بود، انجام می‌شود.

### نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به افزایش رقابت شهرها در فرایند جهانی شدن، شهرهایی توانستند در این رقابت موفق باشند که فضای نوآوری مناسب‌تری را از طریق ارتباط سازمان‌یافته بین مدیریت شهری و مراکز پژوهشی از جمله دانشگاه ایجاد نمایند و از این طریق به توسعه‌ای همه‌جانبه دست یابند. بنابراین ۵ عامل کلیدی مهم می‌تواند این فضا را ایجاد نماید و به تداوم این رابطه کمک نماید که عبارتند از سیاست‌گذاری قانونی، فردی و فرهنگی، ساختار سازمانی و سازمان‌های واسطه که هر کدام از این ابعاد شامل عوامل مختلفی می‌باشد که با فراهم شدن همه این ابعاد می‌توان این انتظار را داشت که توسعه از مرحله اول یعنی تعامل بین مدیریت شهری و دانشگاه‌ها به مرحله سوم که حالت ایده‌آل و تکامل‌یافته این ارتباط است، رسید و از این طریق به رشد و توسعه‌ای پایدار و همه‌جانبه دست یافت. گذر از مرحله اول و وجود توانایی‌های بالقوه برای رسیدن به مرحله سوم، می‌تواند با پشت سر گذاشتن مرحله انفعالی در اولین مرحله، در سطح شهری و کاربردی برای گذر از مرحله دوم به سوم و استفاده از توانایی‌های بالقوه شهر و رسیدن به نوآوری، راه‌هایی مانند ایجاد فرهنگ و زبان مشترک بین مدیریت شهری و دانشگاه‌ها در کنار تعدیل سازمانی ناسازگار را به کار برد (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۳).

ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان‌ها، آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه را توسعه فرهنگی تعریف

می‌کند (آگوستین، ۱۳۷۲: ۲۲۵). دانیل لرنر تحولات فرهنگی را لازمه پیدایش دموکراسی می‌داند و نه صرفاً، برخی روی پیدایش طبقه متوسط، برخی روی تحولات فرهنگی و بعضی دیگر روی رشد ارتباطات و شهرنشینی و بعضی تحولات مادی اقتصادی را عوامل زمینه‌ای توسعه سیاسی می‌دانند. این عوامل مقدمه‌ای می‌شوند برای تحول در افزایش فرصت‌های سیاسی، پیدایش گروه‌های متقاضی مشارکت در زندگی سیاسی، پیدایش منابع قابل تبدیل به منابع سیاسی، پول، زمین و امکانات اقتصادی که می‌شود به عنوان اسلحه سیاسی و منابع قدرت سیاسی به کار برد و همچنین پیدایش ارتباطات که زمینه‌ی طرح ایدئولوژی‌ها و افکار مختلف را فراهم می‌کرده و تکثری در آرا و عقاید به وجود می‌آورد. چون نفس ارتباطات، مطابق استدلال بعضی‌ها، مانعی برای وحدت فکری ایدئولوژیک می‌باشد. (بشیریه، ۱۳۷۵: ۴۸).

رسالت دانشگاه‌ها عبارت است از انتقال دانش فنی قابل بهره‌برداری. یعنی هم باید نیاز جامعه صنعتی به نسل‌های متخصص جدید را برآورده سازند هم به فکر بازتولید گسترده یا اشاعه امر آموزش در سطح بسیار وسیع باشند. علاوه بر این دانشگاه‌ها نه تنها باید دانش از نظر فنی قابل بهره‌برداری را انتقال دهند، بلکه باید به فکر تولید، گسترش و اشاعه چنین دانشی نیز باشند. منظور از دانش فنی قابل بهره‌برداری هم جریان و سرریز اطلاعات از بخش تحقیقات و پژوهش به کانال‌های صنعت، تسهیلات و رفاه اجتماعی است و هم شامل دانش مشورتی و هم اطلاعاتی نظری می‌شود که در رابطه با راهبردهای مدیریت، حکومت و دیگر قدرت‌های تصمیم‌گیر نظیر مؤسسات خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب دانشگاه از طریق آموزش و تحقیق در پیوند مستقیم و ارتباط نزدیک با وظایف و کارکردهای فرایند اقتصادی قرار می‌گیرد. علاوه بر آن چه گفته شد، دانشگاه سه رسالت خطیر دیگر نیز بر عهده دارد:

اول این که دانشگاه مسئولیت این امر را بر عهده دارد که فارغ‌التحصیلان آن از حداقل ویژگی‌های لازم در حوزه‌ی توانایی‌های فوق‌کارکردی یا خارج از حد وظیفه برخوردار باشند. منظور از فوق‌کارکردی یا خارج از وظیفه، تمامی مسئولیت‌ها و رفتارهای مربوط به پیگیری یک حرفه تخصصی است که به تنهایی در دانش و مهارت‌های حرفه‌ای - تخصصی یافت نمی‌شود. مسلماً دانشگاه‌ها ویژگی‌های مربوط به این قبیل معیارهای حرفه‌ای - تخصصی نانوخته را ایجاد نمی‌کنند، لیکن الگوی فرایندهای جامعه‌پذیری آن باید با این ویژگی‌ها هماهنگ باشد، و در صورت عدم وجود این هماهنگی‌ها است که تضاد رخ می‌دهد. رسالت دوم دانشگاه عبارت از انتقال، تبیین و اشاعه سنت فرهنگی جامعه است. سوم این که دانشگاه همواره وظیفه‌ای را ایفا کرده است که تعریف یا تعیین حد و حدود آن چندان کار ساده‌ای نیست. امروزه به راحتی می‌توان گفت این دانشگاه است که خود آگاهی سیاسی دانشجویان را شکل می‌دهد (هاپرماس، ۱۳۷۳: ۹۳-۹۲).

رسالت دانشگاه در آموزش و پژوهش و خدمات اجتماعی، از ویژگی‌های دانش‌نشات می‌گیرد. به طور کلی دانش دارای سه ویژگی کسب، اشاعه و اجراست. با تعامل این سه عنصر است که دانش نوین اجرا می‌شود. ماهیت دانش به گونه‌ای است که فرایند کسب، اجرا و اشاعه آن موجب ایجاد انگیزه و هدایت دانش پژوهان خواهد شد. کسب دانش از طریق پژوهش، اشاعه آن از راه آموزش و اجرای آن به وسیله خدمات اجتماعی صورت می‌گیرد (آراسته، ۱۳۸۴: ۸). عوامل متعددی بر روند توسعه یک جامعه تأثیر می‌گذارند که در این میان آموزش عالی نقش اساسی بر

عاهده دارد. دانشگاه‌ها، چه دانشگاه‌های بومی و چه غیربومی در پیشبرد امور آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور نقش بسیار مهمی دارند. دانشگاه‌ها یکی از پیچیده‌ترین سیستم‌ها هستند که در توسعه همه‌جانبه جامعه از جایگاهی ویژه و ممتاز برخوردارند. در حال حاضر، نمی‌توان جامعه توسعه‌یافته‌ای یافت که از لحاظ پایه‌های آموزشی سست و متزلزل باشد. تحقیقات و مطالعات متعدد نشان می‌دهد که دانشگاه و آموزش عالی در رشد فزاینده و توسعه اجتماعی نقش مهم ایفا می‌کند. دانشگاه‌ها صرفاً سازمان‌های مادی نیستند، بلکه آمیزه‌ای از آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی کشورها محسوب می‌گردند. اقتصاد عصر کنونی مبتنی بر تولیدات علمی می‌باشد که اصطلاحاً اقتصاد دانش‌محور اطلاق می‌گردد. در مطالعات جهان کنونی کشورهایی از پویایی اقتصاد و رشد قابل توجه برخوردار می‌باشند که تولیدات علمی آن‌ها از رشد لازم برخوردار باشد.

تلاش برای پیشرفت و توسعه در چهار عرصه، فکر، یعنی تحول در آموزش و پرورش و رسانه‌ها، علم، یعنی شتاب بخشی در تولیدات علمی و نظریه پردازی در جهت رسیدن به استقلال علمی، زندگی، یعنی توجه به ارتقای شاخصه‌های عدالت، امنیت، رفاه، استقلال، آزادی و معنویت در جامعه، معنویت، یعنی تقویت روحی و انگیزه پیشرفت واقعی در تمام عرصه‌ها، صورت بگیرد تا بسترهای واقعی برای رسیدن به توسعه هر جانبه در کشور فراهم شود. در برنامه ریزی برای تحقق الگوی پیشرفت باید جمع آوری ذخایر ملی و بالفعل ساختن استعدادها، تشکیل گروه‌های پژوهشی، توزیع عادلانه امکانات تحقیقاتی و دانشگاهی هدف گذار صحیح، تربیت نظرپردازان توانا، سرمایه گذاری روی علوم نوین و کاربردی، تقویت روحیه خودباوری و انگیزه پیشرفت مورد توجه قرار گیرد.

منابع

آراسته، حمید. (۱۳۸۴). تکامل آموزش عالی: تحولات تاریخی و مشکلات پیش روی کشورهای در حال توسعه. مجله رهیافت، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۵-۵

آگوستین، ژرار. (۱۳۷۲). توسعه فرهنگی؛ تجارب و خط مشی‌ها. (مترجمان: عبدالحمید زرین‌قلم، پروانه سپرده، علی هاشمی‌گیلانی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی و هنری: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهش، مرکز پژوهش‌های بنیادی.

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان

بحرینی، سید حسین. (۱۳۷۸). تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران

بشیری، حسین. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی

تنهایی، ح. ا. (۱۳۸۹). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر مرنديز

توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت

چپ‌من، دیوید. (۱۳۹۴). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت. (شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان: مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران

جیکوبز، جین. (۱۳۹۲). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا. (دکتر حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی: مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران

دیلینی، تیم. (۱۳۸۷). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. (مترجمان: بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی). تهران: نشر نی

روشه، گی. (۱۳۸۶). تغییرات اجتماعی. (مترجم: منصور وثوقی). تهران: نشر نی

روشه، گی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز. (مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر). تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان